

Research Paper

The Germany's Strategy in the Middle East Region After 2011 and Iran's Foreign Policy



•Mohammad Jamshidi¹ , Farzaneh Mostafa Jokar²

1. Assistant Professor of Regional Studies at Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran.

2. PhD Student of Regional Studies (European Studies) at Tehran University, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Jamshidi.M, MostafaJokar.F.(2024). [The Germany's Strategy in the Middle East Region After 2011 and Iran's Foreign Policy (Persian)]. *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 14(50), 46-64. <https://doi.org/10.22034/sspp.2024.714632>



<https://doi.org/10.22034/sspp.2024.714632>



Received: 29 Mar 2024

Accepted: 09 May 2024

Available Online: 20 Jun 2024

Keywords:

Middle East, security, Germany, militarism, fragile governments

ABSTRACT

The changes in the middle east region after 2011 and the developments in the Arab Spring prompted Germany to pursue a pragmatic policy in the region along with strengthening the military presence, and no longer insist on democratization the countries of the middle east region. Accordingly, Germany has tried to increase its influence in the region using various security, political and military tools while maintaining positive relations with the countries of the region. "Stability" is the keyword of Germany's strategy towards middle east. The "Enable and Enhance Initiative" is among the main programs of the federal government to pursue this goal, which tries to prevent the increase of tensions and the growth of terrorism by empowering fragile governments in the region. Therefore, in view of the changes in the German security and military approach after 2011, the aim of this study is to examine and analyze the German strategy in middle east through the examination of existing documents, speeches and policies focusing on understanding its motivations, goals and prospects in the future. So this research can help better understand Germany's role in the middle east region and its impact on regional dynamics and global politics.

* Corresponding Author:

Mohammad Jamshidi

Address: Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Iran.

E-mail: mjamshidi@ut.ac.ir

مقاله پژوهشی

راهبرد آلمان در آسیای غربی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

* محمد جمشیدی^۱، فرزانه مصطفی جوکار^۲

۱. استادیار گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش مطالعات اروپا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

تغییرات منطقه پس از سال ۲۰۱۱ و تحولات بهار عربی، آلمان را بر آن داشت تا در عین پیگیری یک سیاست عملگرایانه در منطقه همراه با تقویت حضور نظامی، دیگر اصراری بر دموکراتیزه کردن کشورهای حوزه خاورمیانه نداشته باشد. بر همین اساس، آلمان تلاش کرده تا با استفاده از ابزارهای مختلف امنیتی، سیاسی و نظامی نفوذ خود در منطقه را افزایش داده و در عین حال روابطی مثبت با کشورهای منطقه برقرار نماید. «ثبات» کلیدواژه راهبرد آلمان در قبال خاورمیانه است. ابتکار «بهبود بخش و توانمند ساز» از جمله برنامه‌های اصلی دولت فدرال برای پیگیری این هدف است که تلاش می‌کند با توانمندسازی دولت‌های شکننده در منطقه، از افزایش تنش‌ها و رشد تروریسم پیشگیری نماید. لذا با توجه به تغییر رویکرد امنیتی و نظامی آلمان پس از سال ۲۰۱۱ هدف این پژوهش بررسی و تحلیل راهبرد آلمان در خاورمیانه از طریق بررسی اسناد، سخنرانی‌ها و سیاست‌های موجود با تمرکز بر درک انگیزه‌ها، اهداف و چشم‌انداز آن در آینده است. تحقیق حاضر می‌تواند به درک بهتر نقش آلمان در منطقه خاورمیانه و تأثیر آن بر پویایی منطقه‌ای و سیاست جهانی کمک نماید.

تاریخ دریافت: ۱۰ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۳۱ خرداد ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

آسیای غربی، امنیت، آلمان، نظامی‌گری، دولت‌های شکننده

* نویسنده مسئول:

محمد جمشیدی

نشانی: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران..

رایانامه: mjamshidi@ut.ac.ir

مقدمه

آلمان به سمت پایبندی بیشتر به چندجانبه‌گرایی و رویکرد انعطاف‌پذیرتر نسبت به خویشن‌داری نظامی هستیم (کونینگ، ۲۰۲۰: ۹۱).

از سال ۲۰۱۴ به بعد، جمهوری فدرال آلمان در اسناد راهبردی خود آشکارا تمایل به حضور فعال و نقش‌آفرینی جدی در عرصه منازعات جهانی را ابراز می‌کند. در این میان، منطقه خاورمیانه یکی از اهداف نفوذ آلمان در خارج از مرزهای قاره اروپا است که با چرخش سیاست خارجی آمریکا به سمت «شرق» به نظر می‌رسد آلمان و اتحادیه اروپا راه چاره را در افزایش نقش‌آفرینی در این منطقه یافته‌اند. نزدیکی جغرافیایی منطقه خاورمیانه به اتحادیه اروپا دلیل کافی برای توجه بیشتر آلمان و اتحادیه اروپا به این منطقه بیش از دیگر نقاط خارج از مرزهای آنها است (فرنس، ۲۰۲۰: ۴).

رویکرد آلمان به منطقه خاورمیانه به طور سنتی و در مقایسه با بازیگرانی که سعی در تغییر توازن قدرت سیاسی در منطقه دارند - آمریکا، انگلیس و فرانسه - به عنوان یک «پرداخت‌کننده» است تا «بازیگر» و تمایل زیادی به حفظ ثبات در منطقه دارد. در عین حال، عدم سابقه استعماری آلمان در منطقه امکان مشارکت بیشتر آن را فراهم می‌کند. تشویق حکمرانی خوب، همکاری استراتژیک، توسعه بلند مدت و دیپلماسی فعال از جمله ابزارهای آلمان جهت حضور در خاورمیانه با هدف تأمین امنیت خود و متحدان در منطقه هستند (پرتس، ۲۰۰۲: ۱۸۳). اهداف بنیادی دیگر همچون مبارزه با تروریسم و اسلام‌گرایی افراطی و جریان مهاجرت به اروپا، غالباً پس از تحولات جهان عربی در سال ۲۰۱۱ به صورت جدی مطرح شدند که محقق نمودن آنها حضور جدی‌تر آلمان در منطقه را می‌طلبید. هرچند فرهنگ خویشن‌داری نظامی همچنان مرزهای

در طول دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه پس از اتحاد مجدد دو آلمان در سال ۱۹۹۱، جمهوری فدرال آلمان سیاست خارجی نسبتاً جدیدی را تدوین و اجرا کرد. تقریباً ۲۵ سال پس از اتحاد، آلمان توانست قدرت اقتصادی و سیاسی قابل توجهی به دست آورد. لذا به‌عنوان کشوری با اهمیت و قدرت سیاسی قابل توجه، انتظار می‌رفت که نقش فعال‌تری نیز در عرصه سیاست‌های امنیتی بین‌المللی ایفا نماید. با این حال، اغلب به سبب بی‌میلی آلمان برای پذیرش مسئولیت بیشتر در عرصه سیاست خارجی، به‌ویژه توسط شرکای سنتی مورد انتقاد قرار می‌گرفت (بندیک، ۲۰۱۵: ۴).

مناقشه درباره محدودیت‌های نظامی و امنیتی آلمان و چندجانبه‌گرایی، با وقوع بهار عربی در سال ۲۰۱۱ افزایش یافت. تا آن زمان دولت فدرال حامی تلاش‌های دموکراتیک‌سازی و تغییرات سیاسی در جهان عرب بود، اما وقوع انقلاب در لیبی و رأی شورای امنیت به نفع مداخله نظامی در این کشور و نیز جنگ داخلی در سوریه شرایط را برای آلمان تغییر داد؛ زیرا آلمان با شرکای سنتی خود برای مداخله نظامی در این کشورها همراهی نکرد و همچنان به اصل خویشن‌داری نظامی پایبند ماند. با این حال، حوادثی همچون الحاق کریمه به سوریه در سال ۲۰۱۴ و سرازیر شدن موج پناهندگان سوری به مرزهای اروپا و به‌ویژه آلمان، به تدریج سبب تغییر رویکرد آلمان نسبت به امنیت شد. لذا جمهوری فدرال با حضور در چارچوب نیروهای ائتلاف، شروع به اعزام نیروی نظامی به منطقه با هدف مبارزه علیه داعش و حمایت از کشورهای منطقه از طریق ارسال تسلیحات نمود (دمیرتاس و مازلام، ۲۰۱۸: ۵۲-۵۰). لذا از سال ۲۰۱۴ شاهد تغییر رفتار سیاسی و امنیتی

مهمی را برای مسئولیت بین‌المللی آلمان تعیین می‌کند (کونینگ، ۲۰۲۰: ۹۱)

پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که راهبرد آلمان در قبال منطقه خاورمیانه پس از تحولات عربی سال ۲۰۱۱ چه تغییراتی کرده است؟ آیا این قدرت هنجاری تمایلی به ایفای نقش فعال‌تر در منطقه و ورود نظامی را دارد یا خیر؟ برای پاسخ به این سوالات تلاش شده اسناد پایه، سخنرانی و اقدامات جمهوری فدرال آلمان در منطقه مورد بررسی قرار گیرد و با رویکردی تحلیلی به پرسش حاضر پاسخ داده شود. شناخت راهبرد آلمان در خاورمیانه به‌عنوان قدرت برتر اتحادیه اروپا در کنار فرانسه و با توجه به کاهش حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه ضرورت دارد؛ زیرا هم‌زمان با کاهش حضور ایالات متحده در خاورمیانه، احتمال افزایش نقش آفرینی آلمان در منطقه به سبب نگرانی‌های امنیتی بیش‌ازپیش است.

پیشینه پژوهش

راهبرد جمهوری فدرال آلمان همواره از جمله موضوعات مورد توجه در پژوهش‌های صورت‌گرفته طی سال‌های متمادی در میان پژوهشگران بوده است. پژوهش‌های موجود نقاطی مشترک در رابطه با سیاست آلمان در قبال منطقه خاورمیانه دارند و غالباً راهبرد آلمان در این منطقه را پیچیده و چندوجهی توصیف می‌کنند که طیف وسیعی از عوامل امنیتی، اقتصادی، روابط تاریخی (شوانیتز، ۲۰۰۴)، تعهد به راه‌حل دو کشور در مناقشه فلسطین و رژیم اسرائیل (بلکین، ۲۰۰۷) و نیز پاسخ به بهار عربی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند (فرنس، ۲۰۱۸). مطالعات موجود، چالش‌های فزاینده‌ای را برای امنیت آلمان در خاورمیانه شناسایی می‌کنند که عمدتاً در بی‌ثباتی

کشورهای منطقه ریشه دارند و همین امر منجر به توجه بیشتر این کشور اروپایی به خاورمیانه و تلاش آن برای جستجوی روابط جدید و تقویت پیوندهای سنتی با شرکای منطقه‌ای می‌گردد (ترانو، ۲۰۱۹).

تلاش برای حفظ روابط دیپلماتیک از ابعاد مهم سیاست‌های آلمان در خاورمیانه است که مطالعات متعدد به آن پرداخته‌اند. دولت فدرال آلمان همواره به دلیل نقش مهم دولت‌های منطقه برای حل مناقشات و تأمین ثبات، تمایلی نداشته تا کانال‌های دیپلماتیک خود در منطقه را به خطر اندازد. درحقیقت به دلیل فرصت‌های محدود آلمان برای نفوذ در خاورمیانه، برای دولت فدرال غیرممکن است که ارزش‌های دموکراتیک لیبرال را در منطقه ترویج دهد. در حالی که هم‌زمان روابط اقتصادی آلمان با قدرت‌های استبدادی منطقه منجر به تقویت و مشروعیت‌بخشی به آنها می‌شود (مولینگ و شوارتسر، ۲۰۱۷).

عمده ادبیات موجود در مورد راهبرد دولت فدرال در منطقه خاورمیانه، اولویت سیاست‌های آلمان در این منطقه را امنیت می‌دانند و بر همین اساس نیز اقدامات آلمان در منطقه را تفسیر می‌کنند. باین حال، همچنان ادبیات موجود در این حوزه به‌ویژه در میان منابع فارسی غنی نیست. غالب منابع موجود نیز به بررسی یک وجه از سیاست آلمان در منطقه پرداخته‌اند و مطالعات چندانی در رابطه با راهبرد آلمان در این منطقه وجود ندارد. البته مقاله «راهبرد امنیتی آلمان در منطقه خاورمیانه و پیامدهای آن برای جمهوری اسلامی ایران» که در سال ۱۳۹۷ توسط امیرمحمد حاجی یوسفی و بهزاد احمدی لفورکی منتشر شده است، از جمله منابع ارزشمند فارسی در این زمینه است. محدودیت مطالعات در حوزه راهبرد آلمان در منطقه خاورمیانه به‌ویژه پس از تحولات منطقه در سال ۲۰۱۱ در حالی است که

۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۳۴) و ساخته بازیگران است (بوزان و ویور، ۱۳۹۸: ۵۹).

در چنین شرایطی، مجاورت فیزیکی ساده میان همسایگان سبب می‌گردد تا تعاملات امنیتی آنها با یکدیگر، بیش از دیگر بازیگران دور از آن منطقه باشد؛ لذا مجموعه‌های امنیتی در چپه امنیتی منطقه هستند. این مجموعه‌ها توسط الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف می‌شوند که در آنها به سبب درهم‌تنیدگی فرایندهای امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن، امکان جداسازی معضلات امنیتی وجود ندارد (بوزان و ویور، ۵۶-۵۵).

میزان تمایل دولت‌ها به منطقه‌ای بودن وابستگی متقابل امنیتی، متأثر از میزان قدرت آنها است؛ درحالی‌که ابرقدرت‌ها مایل به اقدام ورای منطق جغرافیا در روابط امنیتی خود هستند، دیگر دولت‌ها به سبب قابلیت‌های محدود و منافع امنیتی تمایل بیشتری به فعالیت در همسایگی خود و تقویت الزامات منطقه‌ای دارند (بوزان و ویور، ۵۷). اما در درون مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، شاهد شکل‌گیری زیرمجموعه‌هایی هستیم که معرف الگوهای مجزای وابستگی متقابل امنیتی هستند و میزان همپوشانی و تعامل در آنها به حدی است که امکان جداسازی وجود ندارد. بارزترین نمونه زیرمجموعه‌ها را می‌توان در منطقه خاورمیانه شامل: شامات (مصر، اسرائیل، اردن، لبنان، سوریه) و خلیج‌فارس (ایران، عراق و شورای همکاری خلیج‌فارس) مشاهده کرد (بوزان و ویور، ۶۳-۶۲).

عامل اثرگذار بر پویای درونی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای «نفوذ» است. عامل این نفوذ، ورود قدرت‌های خارجی یا دولت‌های واقع در یک مجموعه، به صفتبندی امنیتی است که عمدتاً ناشی از فراهم‌آوردن فرصت‌ها یا تقاضاهایی برای نفوذ

تغییرات محسوس در سیاست‌های نظامی و امنیتی آلمان طی سال‌های گذشته، گواه خیز این کشور برای تغییر سیاست‌های امنیتی و نظامی خود و نقش‌آفرینی بیشتر در عرصه بین‌المللی است و به همین سبب شناخت هرچه بیشتر ابعاد راهبرد آلمان در منطقه خاورمیانه بیش‌ازپیش ضرورت می‌یابد.

چارچوب نظری: نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای چارچوب مفهومی دربرگیرنده ساختارهای جدید در حال ظهور امنیت بین‌المللی است.

طبق این نظریه، ساختار بین‌الملل آنارشیک و درهم‌پیچیده است (بوزان و ویور، ۱۳۹۸: ۵۱). در این فضای آنارشیک، وابستگی متقابل امنیتی در سطح منطقه میان کشورها حاکم است؛ زیرا نه سطح ملی و نه سطح جهانی به‌تنهایی قادر به تأمین امنیت دولت‌ها نیستند (نورمحمدی و فصیحی دولت‌شاهی، ۱۳۹۷: ۱۵۸). درحالی‌که، ساختار یک منطقه، ویژگی‌های کشورهای واقع در آن و معضلات امنیتی مشابه آنها، می‌تواند فهمی مناسب از سرشت و سرنوشت امنیت ارائه دهد و درک مشترک دولت‌ها از تهدید در یک منطقه جغرافیایی خاص، منجر به وابستگی متقابل امنیتی میان آنها گردد (طاهری و سیفی، ۱۳۹۳: ۱۳۵-۱۳۴). در مجموعه‌های منطقه‌ای به‌عنوان حد واسط دو سطح جهانی و ملی، به سبب نزدیکی دولت‌ها به یکدیگر امکان جداسازی آنها وجود ندارد و در این سطح، امنیت جهانی و ملی نیز بر یکدیگر اثر متقابل می‌گذارند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸: ۵۴). مفهوم اصلی نظریه «امنیتی کردن» است که دارای ابعاد نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی (طاهری و سیفی،

آن را در حمایت و میانجی‌گری‌های آلمان برای عادی‌سازی روابط میان امارات متحده عربی و رژیم اسرائیل می‌توان دید. علاوه بر اینها، آلمان با توانمندسازی کشورهای عضو منطقه به‌عنوان یک مجموعه امنیتی، سعی نمود ضمن واگذاری بخشی از مسئولیت تأمین امنیت خود به کشورهای منطقه، از سرریز بحران‌های منطقه به خاک اروپا و آلمان پیشگیری نماید. نکته اصلی این است که چنانکه نظریه مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای نیز به آن اشاره داشته، کشوری مانند آلمان به‌عنوان قدرتی با قابلیت‌های محدود و در عین حال منافع امنیتی قابل توجه در خاورمیانه، تمایل زیادی برای نقش‌آفرینی در این منطقه همسایه و تقویت الزامات آن برای تأمین منافع خود دارد.

جایگاه خاورمیانه در سیاست خارجی جمهوری فدرال آلمان

تا اوایل دهه ۱۹۹۰ به‌طور گسترده این دیدگاه بر طیف سیاسی آلمان حاکم بود که کشور نیازمند سیاستی خاص در قبال منطقه خاورمیانه نبوده و نخواهد بود. اگرچه در همین زمان می‌توان سیاست‌های مشخصی را در قبال رژیم اسرائیل و شاید در قبال ایران و تک‌تک کشورهای منطقه یافت، اما هرگز سیاست‌های آلمان صراحتاً با توجه به منطقه تعریف نشده بود. ضمن اینکه عدم سابقه استعماری آلمان در مقایسه با انگلیس و فرانسه در منطقه، این کشور را قادر به ایجاد روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی پایدار می‌نمود. با اتحاد دو آلمان در سال ۱۹۹۰ تقاضا برای یک سیاست شفاف‌تر در قبال خاورمیانه و تعامل فعال‌تر با این منطقه افزایش یافت. لذا از این زمان، آلمان برای تقویت سیاست خود در قبال خاورمیانه دیگر نمی‌توانست تنها بر روابط با رژیم اسرائیل و نیز روابط اعراب-اسرائیل

قدرت‌های بزرگ به دلیل یک رقابت منطقه‌ای است (بوزان و ویور، ۵۸)؛ اما متغیر اصلی یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگوهای دوستی و دشمنی است که نوع الگوی حاکم بر روابط میان کشورهای عضو مجموعه (نورمحمدی و فصیحی دولت‌شاهی، ۱۳۹۷: ۱۵۹) و نیز عملکرد مجموعه امنیتی را نیز تعیین و نظام‌های منطقه‌ای را به اقدامات و تفاسیر بازیگران وابسته می‌کند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸: ۵۱). علاوه بر اینها باید توجه داشت که در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، آسیب‌پذیری داخلی یک دولت منطقه‌ای قابلیت ایجاد تهدید ساختاری برای دولت دیگر یا گروهی از دولت‌ها را دارد و الگوهای منطقه‌ای منازعه، میزان و نوع مداخله قدرتها را به‌صورت همسو یا تشدید کننده رقابت، مشخص می‌کند (بوزان و ویور، ۱۳۹۸: ۶۳-۶۲).

براین اساس می‌توان گفت، آلمان از سال ۲۰۱۱ به بعد این نکته را دریافت که تنها با حضور در سطح جهانی قادر به حفظ امنیت خود نیست و باید این حقیقت را بپذیرد که بخشی از امنیت اروپا وابسته به منطقه خاورمیانه است؛ منطقه‌ای با حضور دولت‌های شکننده که اتفاقاً رقابت و جنگ‌های داخلی در میان آنها می‌توانند بحران‌های امنیتی را به کشورهای همسایه صادر کند. لذا رقابت‌های منطقه‌ای و حضور دولتهای شکننده در خاورمیانه - که در هر دو سند راهبرد امنیتی ۲۰۱۶ و ۲۰۲۳ به آنها اشاره شده - زمینه نفوذ قدرت‌های خارجی از جمله جمهوری فدرال آلمان را در صف‌بندی‌های امنیتی منطقه فراهم نمود. بدین ترتیب دولت فدرال تصمیم گرفت در کنار ابزارهایی همچون اعزام نیروی نظامی به عراق و سوریه، با اقدامات نرم مانند میانجی‌گری میان دولت‌های منطقه، برای تغییر الگوهای حاکم در روابط کشورهای خاورمیانه تلاش کند که نمونه

می‌توان چندین عامل برشمرد:

- تحولات جهان عربی از سال ۲۰۱۱
- تغییر گفتمان آلمان مبتنی بر «مسئولیت بیشتر»^۱
- بحران پناهندگان
- ظهور داعش
- چرخش محور سیاست خارجی آمریکا به سمت «شرق» و کاهش اهمیت خاورمیانه در نگاه واشنگتن
- افزایش تنش‌ها در خاورمیانه هم‌زمان با کاهش تعهدات نظامی و امنیتی ایالات متحده در قبال این منطقه (فرنس، ۲۰۲۰: ۷۱).

رویکرد جمهوری فدرال آلمان به منطقه خاورمیانه

«ثبات» در منطقه محور اصلی گفتمان سیاست خارجی آلمان در منطقه خاورمیانه است (میل و رتکا، ۲۰۱۹: ۲). بی‌ثباتی دائم در میان همسایگان جنوبی اتحادیه اروپا و پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم آن برای امنیت اتحادیه و آلمان، دولت فدرال را ناچار به تقویت مشارکت در منطقه خاورمیانه می‌کند. اما این بدین معنا نیست که آلمان یک راهبرد منسجم را برای تحولات در منطقه پیش‌بینی کرده است، بلکه دولت فدرال بیشتر به‌عنوان یک «میانجی بی‌طرف» در فرایندهای توسعه، راه‌حل‌های سیاسی و کانال‌های ارتباطات میان بازیگران رقیب تلقی می‌شود (گوتکوفسکا و فریمارک، ۲۰۱۶: ۱). سیاست جمهوری فدرال آلمان در منطقه عمدتاً بر چند موضوع متمرکز است:

- تعهد سنتی به امنیت رژیم اسرائیل؛

تمرکز کند. در حقیقت مغرب، در حال تبدیل شدن به یک نگرانی عمده برای سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا و به تبع آلمان بود. ضمن اینکه تحولات در خلیج فارس به سبب اهمیت تأمین انرژی جهان و نیز خطرات امنیتی به‌ویژه اشاعه موشکی برای آلمان نگران‌کننده بود (پرتس، ۲۰۰۴: ۲-۱).

باین‌حال جمهوری فدرال آلمان همچنان تمایلی به ایفای نقش فعال و نظامی در منطقه نداشت و بیشتر درصدد نقش‌آفرینی در موضوعات اقتصادی و بشردوستانه بود (کونینگ، ۲۰۲۰: ۸۰). اما وقوع تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱ و پیامدهای ناشی از آن، مسئله خاورمیانه را برای آلمان ملموس‌تر نمود (فرنس، ۲۰۲۰: ۷۱).

در پاسخ به تحولات جهانی، در سال ۲۰۱۳ اتحاد غیررسمی متشکل از «یوآخیم گائوک» رئیس‌جمهور فدرال، «اورسولا فون درلاین» وزیر دفاع و «فرانک والتر اشتاین مایر» وزیر امور خارجه پروژه‌های تحت عنوان «بررسی سال ۲۰۱۴: درک سیاست خارجی فردا»^۱ را راه‌اندازی کردند تا بدین ترتیب دیدگاه‌های آلمان در حوزه سیاست خارجی را شفاف‌سازی نمایند (مائل، ۲۰۱۵: ۳۲۳)؛ لذا در سال ۲۰۱۴ در جریان کنفرانس امنیتی مونیخ، گائوک ضمن تأکید بر لزوم «مسئولیت بیشتر» آلمان در عرصه بین‌المللی، صراحتاً اعلام کرد که کشورش باید نقش فعال‌تری را به‌ویژه در مناطق همسایه شرقی و جنوبی ایفا کند. از این زمان و با افزایش تأثیر بحران‌هایی همچون ظهور داعش و بحران پناهندگان بر امنیت آلمان، توجه برلین بیش‌ازپیش به منطقه خاورمیانه جلب شد (بروک، ۲۰۱۶). در مجموع دلایل رشد روزافزون اهمیت منطقه خاورمیانه در نگاه آلمان را

1. 2014 Review: understanding tomorrow's foreign policy

2. Mehr Verantwortung

• امنیت انرژی؛
• عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای (میل ورتکا، ۲۰۱۹: ۲)؛

چشم‌انداز سیاست امنیتی آلمان در قبال منطقه خاورمیانه

• تلاش برای راه‌حل مسالمت‌آمیز مناقشه فلسطین و رژیم اسرائیل؛
• برقراری و حفظ روابط اقتصادی مناسب با کشورهای منطقه؛

• اتخاذ سیاست هماهنگ با سایر کشورهای غربی در قبال ایران (دویچه بوندستاگ، ۲۰۱۶: ۴)؛
• ممانعت از جریان‌های پناهندگی بزرگ با افزایش ثبات منطقه‌ای؛
• مبارزه با تروریسم (مولینگ و شوارتس، ۲۰۱۷: ۴)؛

از سال ۲۰۱۱ دولت فدرال آلمان در پاسخ به تحولات جهانی درصدد بررسی مجدد برنامه‌های موجود در سیاست خارجی و امنیتی و توسعه راهبردهای مؤثر برای تأمین امنیت خود برآمد و ابتکارات و اسنادی را نیز منتشر نمود.

از جمله این برنامه‌ها، ابتکار «بهبود بخش و توانمند ساز»^۳ است که از سال ۲۰۱۱ مورد توجه جمهوری فدرال آلمان قرار گرفت. هدف ابتکار این است که بازیگران منطقه‌ای بتوانند با پیشگیری، مدیریت بحران، بازسازی پس از بحران و برقراری صلح، امنیت و ثبات را در همسایگی خود تأمین کنند. آلمان معتقد است که اتحادیه اروپا و ناتو نمی‌توانند به تنهایی همه مسائل مربوط به سیاست امنیتی را حل کنند، لذا غرب به شerkاء و متحدانی برای اشتراک‌گذاری مسئولیت‌ها نیاز دارد. ابتکار مذکور مبتنی بر این فرض است که بازیگران محلی بهتر از بازیگران خارجی می‌توانند به پایداری در منطقه و حل مناقشات کمک کنند. آلمان از دو ابزار جهت توانمندسازی شرکای خود در منطقه استفاده می‌کند:

• آموزش و توانمندسازی کشورها و سازمان‌هایی که می‌توانند به‌عنوان لنگرهای ثبات در مناطق آسیب‌پذیر خدمت کنند که این امر شامل آموزش و تمرین‌های مدنی و نظامی می‌شود (پاگلیرین، ۲۰۱۶: ۲-۱). با چنین رویکردی بود که در سال ۲۰۱۴ بوندستاگ (پارلمان) به ارتش اجازه داد تا

تمرکز اصلی آلمان در این منطقه بر حمایت از ثبات سیاسی و ترویج همکاری اقتصادی از طریق مشارکت فعال گروه‌های جامعه مدنی آلمان و بنیادهای حزبی و سیاسی متمرکز است (فرنس، ۲۰۲۰: ۷۵). در سال ۲۰۲۰ «پیتر آلتمایر» وزیر وقت اقتصاد فدرال اعلام کرد که استراتژی «تغییر از طریق تجارت» هسته‌ای از رویکرد آلمان به خاورمیانه است (کارنشنینگ و ولا، ۲۰۲۰). از سوی دیگر، خاورمیانه یکی از موضوعات مورد توجه دستور کار سیاست خارجی دولت فدرال در سال ۲۰۲۱ قرار گرفت و در آن کاهش تنش‌ها در منطقه تا حد زیادی به آینده برجام ارتباط داده شده است (وزارت امور خارجه آلمان، ۲۰۲۱).

به‌رغم این نگاه، بی‌میلی آلمان به ایفای نقش نظامی سبب به حاشیه رفتن نقش آن به‌عنوان بازیگری اثرگذار در موضوعات مهم خاورمیانه شده است (کوش، ۲۰۱۵: ۷). اما کاهش تعهدات آمریکا در قبال منطقه، آلمان را ناچار به افزایش مشارکت در منطقه می‌کند؛ اصلی‌ترین عامل این اجبار هم، نه نگرانی‌های بشردوستانه و پیشگیری از خشونت،

3. Verbessern und aktivieren / Enable & Enhance Initiative

از جمله ابزارهای مورد توجه این سند برای پاسخ به چالش‌های امنیتی مذکور عبارتند از:

● تمرکز سیاست امنیتی دولت فدرال بر تقویت ساختارهای سیاسی مشروع در دولت‌های شکننده و افزایش انعطاف‌پذیری آنها (دولت فدرال، ۲۰۱۶: ۳۹-۴۰)؛

● ابتکار بهبود ببخش و توانمند بساز: باتوجه به عدم استقبال اکثریت جامعه آلمان از مأموریت‌های بزرگ خارجی و عدم موفقیت در مأموریت‌هایی مانند افغانستان، هدف مأموریت‌های آینده این است که آلمان دولت‌ها یا سازمان‌های منطقه‌ای را مطابق با «اصل تابع بودن» قادر سازد که چالش‌های سیاست امنیتی خود را برعهده گیرند تا صلح و امنیت بین‌المللی مطابق با منشور سازمان ملل حفظ شود؛ لذا به طور ویژه در مأموریت‌های اتحادیه اروپا و به تبع آلمان، تمرکز از «تأمین‌کننده امنیت» به «مشاور امنیتی» تغییر می‌کند (کیم و لیننکمپ، ۲۰۱۶: ۵). اما از نگاه کارشناسان این طرح تلاشی برای توجیه صادرات تسلیحات آلمان به مناطق بحرانی محسوب می‌شود (پاگلیرین، ۲۰۱۶: ۱). با این حال سند امنیتی ۲۰۱۶ اعلام می‌کند که تعهد به توانمندسازی شرکانه تنها برای مدیریت مستقل درگیری‌ها بلکه برای تضمین امنیت ملی و منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. درحقیقت، این توانمندسازی گسترش منطقی رویکرد پیشگیرانه آلمان به امنیت در منطقه است. با این حال، سند راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۶ همچنان بر مداخله نظامی مطابق با قوانین بین‌المللی به منظور تقویت دیپلماسی و حرکت به سمت راه‌حل‌های سیاسی قابل قبول در برخی موقعیت‌ها ضروری تأکید می‌کند (دولت فدرال، ۲۰۱۶: ۶۱).

پشتیبانی از پیشمرگه‌های کُرد در شمال عراق را به منظور مبارزه علیه داعش از طریق ارائه آموزش تأمین کنند (گالتس، ۲۰۱۸: ۱۵). «راینر گالتس» ژنرال عالی‌رتبه بوندسور (ارتش)، حضور ارتش آلمان در مأموریت عراق، حمایت از پیشمرگه‌های کُرد و تحویل اسلحه به آنها را نشانه تغییر پارادایم در سیاست دفاعی و امنیتی آلمان ارزیابی کرد (بوک، ۲۰۱۸).

● تأمین تجهیزات بُعد دیگر ابتکار توانمندسازی است که می‌تواند از طریق صادرات تسلیحات و کالاهای دارای مصرف دوگانه، غیرکشنده و کشنده صورت گیرد (پاگلیرین، ۲۰۱۶: ۲).

ابتکار توانمندسازی در کتاب سفید «راهبرد امنیت ملی ۲۰۱۶» که زیر نظر وزارت دفاع فدرال در کابینه آنگلا مرکل صدراعظم پیشین آلمان درباره اولویتها و مبانی سیاست امنیتی و دفاعی منتشر شد، مورد توجه قرار گرفت. سند مذکور افق سیاست امنیتی آلمان را جهانی تعریف می‌کند. دو مورد از چالش‌های امنیتی مورد توجه در این سند در ارتباط با منطقه خاورمیانه قابل تفسیر هستند:

● حملات تروریستی مهم‌ترین چالش امنیتی کشور هستند و دولت‌های شکننده می‌توانند به پناهگاهی امن برای تروریسم فراملی، قاچاق انسان و تجارت غیرقانونی تسلیحات تبدیل شوند.

● جنگ‌های داخلی بر محیط امنیت بین‌المللی تأثیرگذار هستند و این وضعیت توسط رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای و رقابت بین شیعه و سنی تشدید می‌شود. لذا این عوامل می‌تواند بحران‌های مداومی را در بسیاری از نقاط جهان از جمله خاورمیانه ایجاد کنند و منجر به بی‌ثباتی در همسایگی اروپا و تضعیف تجارت بین‌المللی گردند.

● دولت فدرال در صدد هماهنگ‌سازی سیاست‌های توسعه با اهداف استراتژیک است (دولت فدرال، ۱۳-۱۱)

● در مجموع اگرچه در اسناد مذکور به طور مستقیم اشاره‌ای به منطقه خاورمیانه نشده است، اما باتوجه به شرایط دولت‌های منطقه و خطرات امنیتی که از این منطقه همسایه متوجه مرزهای اروپا و آلمان است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که دایره شمول سیاست‌های مورد اشاره در اسناد منتشر شده از سال ۲۰۱۱ تاکنون خاورمیانه را نیز در برمی‌گیرد و سیاست‌های آتی آلمان در قبال آن را شکل خواهند داد.

ابزارهای حضور و نفوذ آلمان در منطقه خاورمیانه

جمهوری فدرال آلمان باتوجه به تغییر نوع رویکرد و اهداف خود در خاورمیانه، با استفاده از سه ابزار نظامی، سیاسی و امنیتی سعی در اعمال نفوذ و تقویت حضور در منطقه دارد:

الف) نظامی

استقرار نظامی: استقرار نیروهای نظامی آلمان در منطقه خاورمیانه در سال ۲۰۱۵ و به دنبال افزایش تهدید داعش آغاز شد. مداخله نظامی ارتش آلمان در منطقه خاورمیانه، می‌تواند به تدریج تمرکز آلمان را از جناح شرقی ناتو به سمت جنوب تغییر دهد (گوتکوفسکا و فریمارک، ۲۰۱۶: ۱ و ۶). تا سال ۲۰۲۰ کشور آلمان در مجموع ۵۰۰ سرباز مستقر در سرتاسر اردن، عراق و سوریه در چارچوب نیروهای ائتلاف ناتو داشت و مجاز به افزایش آن تا ۷۰۰ سرباز بود (مارتیر، ۲۰۲۰). اما در سال ۲۰۲۲ بوندستاگ (پارلمان) تصمیم گرفت ضمن تمدید مأموریت بوندسور در عراق و اردن، به نقش نظامی کشورش

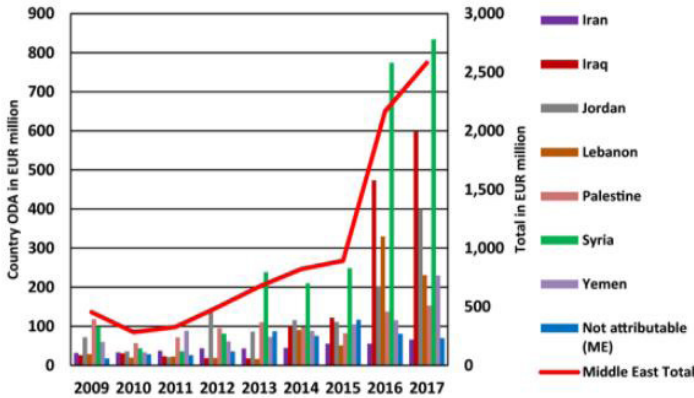
هفت سال پس از کتاب سفید ۲۰۱۶، در سال ۲۰۲۳ «راهبرد امنیت ملی» ۵ به‌عنوان نخستین سند مدون راهبرد امنیتی آلمان زیر نظر کابینه اولاف شولتس صدراعظم سوسیال دموکرات آلمان با عنوان «استراتژی امنیت یکپارچه آلمان» منتشر شد. نکته حائز اهمیت سند مذکور در رابطه با منطقه خاورمیانه، تأکید بر این نکته است که جنگ‌ها، بحران‌ها و درگیری‌ها در همسایگی اروپا تأثیر نامطلوبی بر امنیت آلمان و اروپا می‌گذارند (دولت فدرال، ۲۰۲۳: ۱۳-۱۱)؛ زیرا درگیری‌های داخلی در دولتهای شکننده به دیگر کشورها سرایت می‌کنند و ضمن بی‌ثبات‌سازی کل مناطق، به‌طور غیرمستقیم امنیت آلمان را نیز متأثر می‌سازند. این در حالی است که بازیگران خارجی به‌طور فزاینده‌ای از هرگونه بی‌ثباتی و شکنندگی رو به رشد جهت تحکیم قدرت و گسترش حوزه نفوذ خود در این مناطق استفاده می‌کنند (دولت فدرال، ۲۳) و به همین سبب دولت‌های شکننده در حال تبدیل به مهد و پناهگاه امن تروریسم هستند.

به نظر می‌رسد تعداد ابزارهای مورد توجه دولت فدرال جهت نفوذ در مناطق دارای دولتهای شکننده در این سند افزایش یافته است:

● دولت فدرال تلاش می‌کند تا با ارائه برنامه‌های مدنی و نظامی به شرکای خود از جمله ابتکار بهبود بخش و توانمند ساز، به آنها کمک کند تا ابزارهای مدنی و توانایی‌های نظامی خود برای حل مناقشه را تقویت نمایند (دولت فدرال، ۴۲-۴۰).

● دولت فدرال در کشورهایی که دولت‌ها امنیت و حاکمیت قانون را تضعیف می‌کنند، همکاری بیشتری با بازیگران غیردولتی و سطوح محلی با رویکردهای چندجانبه خواهد داشت.

5. National Security Strategy) NSS(



شکل ۱: کمک‌های توسعه آلمان به منطقه خاورمیانه از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۷

سال ۲۰۱۴ وزارت فدرال همکاری اقتصادی و توسعه با انتشار یک گزارش وضعیت داخلی، ضمن اشاره به اهمیت خاورمیانه از جهت انرژی و همسایگی برای اتحادیه اروپا و آلمان و در عین حال امواج نارضایتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در این منطقه، تأکید کرد که ثبات، رفاه و دموکراسی در خاورمیانه به نفع اتحادیه اروپا و آلمان است؛ زیرا بدین ترتیب مانع از سرازیر شدن امواج بیشتر پناهندگان به سوی اروپا می‌گردد. بر همین اساس، از افزایش کمک‌های مالی به خاورمیانه و نیز تعریف پروژه‌های مختلف در کشورهای منطقه حمایت نمود. لذا از سال ۲۰۱۱ و با توجه به تحولات در کشورهای عربی، آلمان میزان کمک‌های رسمی به کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا را بیش از دو برابر افزایش داد و از اواخر سال ۲۰۱۱ میزان کمکها از حدود ۷۵۰ میلیون یورو به ۳٫۶ میلیارد یورو در سال ۲۰۱۷ رسید (فرنس، ۲۰۲۰: ۷۶-۷۰). رشد اهمیت منطقه خاورمیانه و به‌طور کلی منابرای آلمان را می‌توان به وضوح در تشدید کمک‌های بشر دوستانه و توسعه‌ای برای این منطقه دید.

در سوریه پایان دهد و بدین ترتیب دولت سوریه را از فهرست کشورهایی که بوندسور اجازه فعالیت در آنها را دارد، خارج کند (دویچه وله، ۲۰۲۲). این در حالی است که با افزایش تنش‌ها در دریای سرخ در سال ۲۰۲۳، کابینه اولاف شولتس یک ناوچه را در چارچوب مشارکت برلین در مأموریت اتحادیه اروپا برای دریای سرخ با هدف حفاظت از کشتی‌های تجاری در برابر حملات یمن اعزام کرد (دویچلند، ۲۰۲۴).

ب) سیاسی

کمک‌های بشردوستانه و توسعه: آغاز سیاست کمک آلمان به منطقه خاورمیانه و به‌طور کلی مناب، مربوط به مقاله مفهومی سال ۲۰۰۸ وزارت فدرال همکاری اقتصادی و توسعه، سه سال پیش از تحولات عربی است. این سند درباره چالش‌های توسعه در منطقه مناب و خطرات افزایش فقر، بی‌ثباتی اجتماعی، سرکوب سیاسی، تغییرات اجتماعی و مشکلات امنیتی و مهاجرتی ناشی از آن برای اروپا هشدار می‌دهد. در

با حضور در ابتکاراتی مانند «تشتت چهارجانبه»^۶ برای بحران سوریه، در روند صلح نقش آفرینی کند (وزارت خارجه فدرال، ۲۰۱۹). بر همین اساس، به دنبال اعلام عادی‌سازی روابط میان رژیم اسرائیل و امارات متحده عربی شاهد سفر فوری هایکو ماس وزیر خارجه وقت آلمان به امارات و میزبانی برلین از نخستین دیدار رسمی وزرای خارجه دو کشور بودیم؛ دیداری که وزیر خارجه آلمان آن را «افتخار بزرگ» نامید. درواقع، آلمان با استفاده از این فضا درصدد ازسرگیری مجدد مذاکرات میان رژیم اسرائیل و فلسطین برآمد (رویترز، ۲۰۲۰)؛ زیرا به اعتقاد وزارت خارجه فدرال، روابط دیپلماتیک میان رژیم اسرائیل با امارات متحده عربی، بحرین، سوئد و مراکش فرصت‌های دیپلماتیک جدیدی را برای فرایند صلح در خاورمیانه به وجود می‌آورد (وزارت خارجه فدرال، ۲۰۱۹).

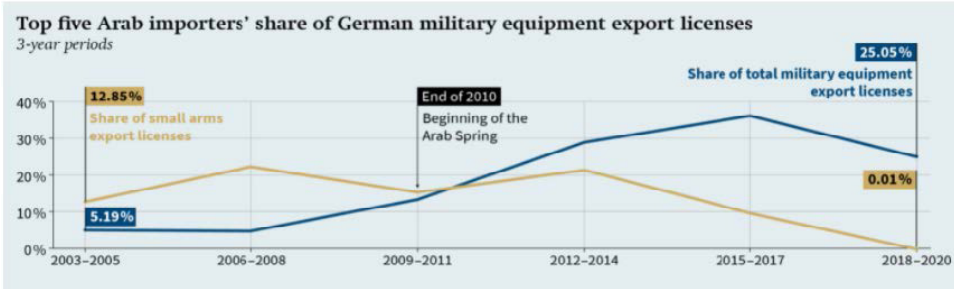
ج) امنیتی

صادرات تسلیحات: آلمان یکی از پنج صادرکننده برتر تسلیحات در جهان است و بخش قابل توجهی از صادرات تجهیزات نظامی آن به منطقه خاورمیانه است. این در حالی است که طبق بازنویسی مقررات آلمان در سال ۲۰۱۹ درباره صادرات تسلیحات، مجوز صادرات تسلیحات برای کشورهایی که درگیر جنگ مسلحانه هستند یا جایی که خطر جنگ قریب‌الوقوع است یا جایی که تهدید برای شروع درگیری وجود دارد، ممنوع است. به رغم وجود چنین قانونی، در بحبوحه جنگ یمن و مشارکت امارات متحده عربی در آن، صادرات تسلیحات ساخت آلمان به این کشور ادامه داشت و بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ مصر، الجزایر، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده

میانجی‌گری در روابط کشورهای عرب و رژیم اسرائیل: آلمان علاقه زیادی به صلح در خاورمیانه دارد و به همین دلیل در سیاست‌های خود درباره منطقه خاورمیانه، وزن بیشتری را به کشورهای مشرق - اسرائیل و همسایگان آن - می‌دهد (گقوه و دیگران، ۲۰۰۲: ۱۳). با این حال، مناقشه رژیم اسرائیل و فلسطین یکی از زمینه‌های اصلی درگیری در منطقه خاورمیانه است (وزارت خارجه فدرال، ۲۰۲۱). علاقه آلمان به حل مسالمت‌آمیز مناقشه اعراب و رژیم اسرائیل بیش از نگرانی‌های بشردوستانه، در ثبات منطقه‌ای و روابط خاص برلین با این رژیم ریشه دارد. برای آلمان صلح میان اعراب و ریشه اسرائیل پایانی بر ترس‌ها از مناقشه در روابط ویژه خود با این رژیم و منافع آن در پی تقویت و روابط خوب با کشورهای عربی نهفته است (گقوه و دیگران، ۲۰۰۲: ۱۳).

این مناقشه آلمان را بر سر دوراهی مسئولیت اخلاقی در قبال رژیم اسرائیل از یک سو و منافع اقتصادی ناشی از روابط اقتصادی خوب با کشورهای عرب منطقه از سوی دیگر قرار می‌دهد؛ لذا آلمان همیشه در تلاش بوده تا ترکیب حمایت از رژیم اسرائیل و روابط اقتصادی با کشورهای عربی را حفظ کند (بوندستاگ، ۲۰۱۶: ۷). برلین تنها راه دستیابی به صلح منطقه را مذاکره میان طرفین می‌داند. در این چارچوب هدف بلندمدت آلمان، یک راه‌حل جامع برای صلح اعراب و اسرائیل است که دیگر حوزه‌های درگیری در خاورمیانه از جمله: مناقشات حل‌نشده میان رژیم اسرائیل با سوریه و نیز لبنان را هم شامل می‌شود. سیاست آلمان در این منطقه ریشه در سیاست‌های اتحادیه اروپا دارد و درعین حال تلاش می‌کند به صورت دوجانبه نیز

۶. روسیه، ترکیه، فرانسه و آلمان



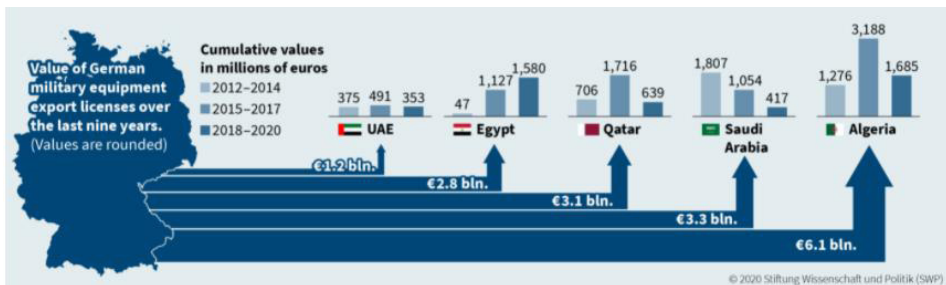
شکل ۲: واردات پنج کشور عرب منطقه از آلمان (۲۰۲۰-۲۰۰۳)

منبع: (هیلمینگورست و رول، ۲۰۲۱: ۲)

نتیجه‌گیری

موضوع امنیت و نگاه آلمانی‌ها به آن در گذر زمان و باتوجه به بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دستخوش تغییراتی شده است. تا اوایل دهه ۱۹۹۰ جمهوری فدرال آلمان سیاست مشخصی در قبال منطقه خاورمیانه نداشت؛ اما با گذشت زمان و وقوع تحولاتی همچون: تحولات جهان عربی، بحران پناهندگان، ظهور داعش، تغییر گفتمان آلمان و چرخش محور سیاست خارجی آمریکا به سمت شرق، منطقه خاورمیانه مورد توجه مقامات آلمانی

عربی حدود ۴٫۷ میلیارد یورو تجهیزات نظامی از آلمان خریداری کردند که حدود یک‌چهارم از مجموع فروش آلمان بود (هیلمینگورست و رول، ۲۰۲۱: ۳-۱). ضمن اینکه، در سال ۲۰۲۱ دولت آلمان ۱٫۱۶ میلیارد یورو تسلیحات به کشورهای درگیر جنگ یمن و لیبی صادر کرد (دویچه‌وله، ۲۰۲۱). به‌طورکلی، به‌رغم سیاست‌های اعلامی آلمان درباره ممنوعیت صادرات تسلیحات به مناطق درگیر جنگ، طی بازه زمانی ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ تنها مجوز صادرات تسلیحات کوچک کاهش یافته است (هیلمینگورست و رول، ۲۰۲۱: ۳).



شکل ۳: ارزش تجهیزات نظامی صادراتی آلمان به کشورهای منطقه از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰

منبع: (هیلمینگورست و رول، ۲۰۲۱: ۲)

قرار گرفت. زیرا حضور دولت‌های شکننده در این منطقه می‌تواند منجر به بی‌ثباتی در میان همسایگان جنوبی اروپا و در نتیجه چالش‌های امنیتی برای اروپا گردد. به همین سبب، آلمان ثبات در منطقه را محور اصلی گفتمان سیاست خارجی خود در این منطقه قرار داد و دولت فدرال ابتکار توانمندسازی را در هر دو سند امنیتی منتشر شده در سالهای ۲۰۱۶ و ۲۰۲۳ مطرح نمود که طبق آن، برلین با توانمندسازی شرکاء خود از طریق روش‌هایی همچون آموزش نظامی و تأمین تجهیزات، تلاش می‌کند تا مسئولیت چالش‌های امنیتی و مقابله با آنها را به کشورهای منطقه واگذار نماید.

شاید بتوان سیاست توانمندسازی متحدین در منطقه را اصلی‌ترین تهدید راهبرد دولت فدرال آلمان علیه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تلقی کرد؛ زیرا سیاست مذکور به‌ویژه از طریق فروش تسلیحات منجر به نظامی‌شدن هر چه بیشتر منطقه و تداوم بحران‌ها می‌گردد. ضمن اینکه این توانمندی تسلیحاتی همراه با تلاش آلمان برای میانجی‌گری و بهبود روابط میان کشورهای خاورمیانه می‌تواند زمینه‌ساز ائتلاف‌سازی آنها علیه ایران گردد. چنان‌که نمونه آن را می‌توان در عادی‌سازی روابط رژیم اسرائیل با امارات و بحرین مشاهده کرد.

پیشنهاد‌های سیاستی

تبدیل آلمان به قدرتی جهانی و بازیگر فعال ژئوپلیتیکی می‌تواند به معنای مداخله بیشتر آن در بحران‌های جهانی یا حداقل مناطق پیرامونی و درگیری هرچه بیشتر با مسائلی چون تروریسم، مهاجرت، ثبات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مواد مخدر و... باشد؛ امری که بر سیاست‌های آلمان در قبال منطقه خاورمیانه و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران اثرگذار خواهد بود. لذا با توجه به نگرانی‌های امنیتی آلمان و رهیافت رسمی سیاست خارجی آن مبنی بر ممانعت از بروز تنش و ناآرامی در منطقه خاورمیانه به عنوان حوزه همسایگی اروپا، می‌توان چند پیشنهاد مطرح نمود:

شاید بتوان سیاست توانمندسازی متحدین در منطقه را اصلی‌ترین تهدید راهبرد دولت فدرال آلمان علیه جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تلقی کرد؛ زیرا سیاست مذکور به‌ویژه از طریق فروش تسلیحات منجر به نظامی‌شدن هر چه بیشتر منطقه و تداوم بحران‌ها می‌گردد. ضمن اینکه این توانمندی تسلیحاتی همراه با تلاش آلمان برای میانجی‌گری و بهبود روابط میان کشورهای خاورمیانه می‌تواند زمینه‌ساز ائتلاف‌سازی آنها علیه ایران گردد. چنان‌که نمونه آن را می‌توان در عادی‌سازی روابط رژیم اسرائیل با امارات و بحرین مشاهده کرد.

در مجموع، با تغییر چشم‌انداز سیاست خارجی ایالات متحده از منطقه خاورمیانه به سمت منطقه هندوپاسیفیک، نخبگان سیاسی برلین متقاعد شده‌اند که آلمان و اروپا باید به طور مستقل منافع خود را در منطقه پیگیری و خلاء ناشی از کاهش حضور واشنگتن را پر کنند. اما باید توجه داشت که آلمان به‌هیچ‌عنوان به‌صورت مستقل در منطقه خاورمیانه حضور نظامی نداشته و نخواهد داشت. بلکه صرفاً در چارچوب اتحادها و همکاری با شرکای

در مجموع، با تغییر چشم‌انداز سیاست خارجی ایالات متحده از منطقه خاورمیانه به سمت منطقه هندوپاسیفیک، نخبگان سیاسی برلین متقاعد شده‌اند که آلمان و اروپا باید به طور مستقل منافع خود را در منطقه پیگیری و خلاء ناشی از کاهش حضور واشنگتن را پر کنند. اما باید توجه داشت که آلمان به‌هیچ‌عنوان به‌صورت مستقل در منطقه خاورمیانه حضور نظامی نداشته و نخواهد داشت. بلکه صرفاً در چارچوب اتحادها و همکاری با شرکای

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش این مقاله رعایت شده‌اند.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت‌نویسندگان

نویسندگان به یک اندازه در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

نظر به اینکه موضوع امنیت از هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای آلمان اکنون مستقیماً متوجه خود کشور است و رفع تهدید از منطقه خاورمیانه از اولویت‌های راهبردی آلمان محسوب می‌شود، ایران باید خود را عرضه‌کننده امنیت در منطقه معرفی کند تا بدین ترتیب عدم همکاری‌های منطقه‌ای با جمهوری اسلامی، به معنی عدم استفاده از ظرفیت‌های آن برای تأمین امنیت در خاورمیانه و پیرامون آن باشد. قدرت منطقه‌ای ایران ناشی از شرایط ژئوپلیتیکی، تلاش‌ها برای ثبات در کشورهای عراق و سوریه، ائتلاف‌های منطقه‌ای و همکاری‌های دو و چندجانبه با کشورهای مهم و اثرگذار، در ترغیب آلمان جهت به رسمیت شناختن نقش منطقه‌ای ایران مؤثر خواهد بود.

با توجه به تلاش آلمان برای میانجی‌گری در روند عادی‌سازی روابط بین رژیم اسرائیل با کشورهای منطقه، ایران باید با تفهیم اهمیت نقش امنیتی خود به آلمان، به این کشور هشدار دهد که از ائتلاف‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران در روند عادی‌سازی روابط به‌طور جد پرهیز شود. توانمندی هر چه بیشتر ایران در خاورمیانه، منجر به احتیاط بیشتر آلمان برای توانمندسازی کشورهای منطقه و ائتلاف‌سازی آنان علیه جمهوری اسلامی ایران به دلیل هراس از تنش می‌گردد.

با توجه به کاهش حضور ایالات متحده در خاورمیانه و تلاش اتحادیه اروپا و آلمان برای تقویت حضور خود در منطقه، ضرورت دارد که جمهوری اسلامی ایران مبادرت به بهبود روابط با کشورهای منطقه به ویژه کشورهای عرب زبان و تهدیدزدایی از تصویر خود نزد آنها نماید؛ تصویری که ناشی از تبلیغات رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران است.

منابع

منابع فارسی

۱. بوزان، بری. ویور، الی (۱۳۹۸). مناطق و قدرتها: ساختا امنیت بین‌المللی (ترجمه رحمن قهرمانپور)، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم
۲. طاهری، ابوالقاسم. سیفی، عبدالمجید (۱۳۹۳). امنیت انرژی و نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، فصلنامه سیاست پژوهی، سال اول، شماره ۱، صفحات ۱۵۱-۱۲۹.
۳. نورمحمدی، مرتضی. فصیحی دولتشاهی، محمدعارف (۱۳۹۷). کاربرد نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا. رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۰(۲)، ۱۸۹-۱۵۳

References

- Borck, Tobias (2016). Germany's Place in the Middle East. Royal United Services Institute (RUSI): <https://rusi.org/explore-our-research/publications/commentary/germanys-place-middle-east>
- Buck, Tobias (2018). German military: combat ready?, Financial Times: <https://www.ft.com/content/36e2cd40-0fdf-11e8-940e-08320fc2a277>
- Bendiek, Annegret (2015). The 'Review 2014': Understanding the Pillars of German Foreign Policy and the Expectations of the Rest of the World, Research Division EU/Europe Stiftung Wissenschaft und Politik German Institute for International and Security Affairs, pp.1-16: https://www.swp-berlin.org/publications/products/arbeitspapiere/WP_IFRI_The_2014_Review.pdf
- Belkin, Paul (2007). Germany's Relations with Israel: Background and Implications for German Middle East Policy, CRS Report for Congress, 1-19: <https://sgp.fas.org/crs/row/RL33808.pdf>
- Die Bundesregierung (2016). Zur Sicherheitspolitik Und Zur Zukunft Der Bundeswehr, Wissbuch, Vorbemerkung en, Bundesministerium der Verteidigung: <https://www.bmvg.de/resource/blob/13708/015be272f8c0098f1537a491676bfc31/weissbuch2016-barrierefrei-data.pdf>, 1-143
- Dilshad, Mohammad (2017). Germany should assume a bigger role in the Middle East, German Development Institute (Persian): <https://www.idos-research.de/en/the-current-column/article/germany-should-assume-a-bigger-role-in-the-middle-east-1/>, 1-2
- Deutscher Bundestag (2016). Die Nahostpolitik Deutschlands und Russlands seit 1991", Wissenschaftliche Dienste, WD 2, p.p: 1-19: <https://www.bundestag.de/resource/blob/426610/dd5c5fb87c9539cfe4942a1e031ba769/wd-2-055-16-pdf-data.pdf>
- Demirtas, Birgul.Mazlum, Mahmut (2018). Civilian Powers and the Use of Force: The Evolution of Germany as a 'Realist Civilian Power, Perceptions 23, no. 1, pp.27-62: <https://sam.gov.tr/pdf/perceptions/Volume-XXIII/Spring-2018/27-62.pdf>
- Deutschland (2024). Cooperation with Algeria on production of green hydrogen, February 9, available at: <https://www.deutschland.de/en/news/germany-news-today-foreign-policy>
- Deutsche Welle (2022). Germany extends Bundeswehr mission in Iraq, December 1, available at: <https://www.dw.com/en/germany-extends-bundeswehr-mission-in-iraq/a-60400784>
- Deutscher Bundestag (2016). Die Nahostpolitik Deutschlands und Russlands seit 1991. <https://www.bundestag.de/resource/blob/426610/dd5c5fb87c9539cfe4942a1e031ba769/wd-2-055-16-pdf-data.pdf>
- Deutsche Welle (2021). Germany approves over €1 billion in arms deals, March 01, available at: <https://www.dw.com/en/germany-approves-over-1-billion-in-arms-deals-to-middle-east/a-56118758>
- Federal Foreign office (2021). The Middle East conflict, October 19, available at: <https://www.auswaertiges-amt.de/en/aussenpolitik/regionaleschwerpunkte/nahermitlereroesen/middleeastconflict/228366>
- Federal Foreign office (2019). The Middle East conflict, January 16, available at: <https://www.auswaertiges-amt.de/en/>

- aussenpolitik/regionaleschwerpunkte/nahermittlererosten/01-konfliktnahost/israelpalaeſtinkonflikt-node
- Federal Government (2023). Integrated Security for Germany: National Security Strategy, pp.1-76: <https://www.nationalesicherheitsstrategie.de/National-Security-Strategy-EN.pdf>
- Furness, Mark (2020). Donorship” and strategic policy-making: Germany’s Middle Eastern and North African aid programme since the Arab uprisings, Development Policy Review, ISSN 1467-7679, Wiley, Hoboken, NJ, Vol. 38, pp.70-90, <https://doi.org/10.1111/dpr.12461>
- Furness, Mark (2018). Strategic policymaking and the German aid programme in the MENA region since the Arab uprisings, IDOS Discussion Papers, German Institute of Development and Sustainability (IDOS), 1-42: DOI: 10.23661/dp5.2018
- Federal Foreign Office (2021). What will be important in 2021?: <https://www.auswaertiges-amt.de/en/aamt/2021/2436414>
- Galtez, Rainer L., Hansen, Wibke. Kaim, Markus. Vorrath, Judith (2018). Missions in a Changing World: The Bundeswehr and Its Operations Abroad, German Institute for International and Security Affairs, Research Paper 6.: https://www.swp-berlin.org/publications/products/research_papers/2018RP06_kim_et_al.pdf, 1-45
- Gotkowska, Justyna. Frymark, Kamil (2016). Germany’s engagement in the resolution of the Syrian conflict, Center for Eastern Studies (OSW), NUMBER 194: https://www.files.ethz.ch/isn/195953/commentary_194.pdf
- Gröhe, Hermann., Moosbauer, Christoph., Perthes, Volker., Sterzing, Christian (2002). Evenhanded, not neutral: Points of reference for a German Middle East policy, In: GERMANY AND THE MIDDLE EAST INTERESTS AND OPTIONS, Ed: Volker Perthes, First edition, Published by the Heinrich Böll Foundation in co-operation with Stiftung Wissenschaft und Politik, p.p: 11-29
- Hüllinghorst, Yannik., Roll, Stephan (2021). German Arms Exports and the Militarisation of Arab States’ Foreign Policies, SWP Comment, pp.1-4: https://www.swp-berlin.org/publications/products/comments/2021C06_GermanArmsExports.pdf
- Karnitschnig, Matthew. Hanke Vela, Jakob (2020). Germany’s Altmaier defends Berlin’s muted response to China’s crackdown in Hong Kong, Politico: <https://www.politico.eu/article/peter-altmaier-defends-berlins-muted-response-to-chinas-crackdown-in-hong-kong-germany/>
- Kausch, Kristina (2015). Enabling or evading? Germany in the Middle East, Policy Brief, Fundación para las Relaciones Internacionales y el Diálogo Exterior [FRIDE], No.191, 1-7: https://www.files.ethz.ch/isn/187451/Germany_in_the_Middle_East.pdf
- Kaim, Markus. Linnenkamp, Hilmar (2016). “The New White Paper 2016 – Promoting Greater Understanding of Security Policy?”. Stiftung Wissenschaft und Politik (SWP): https://www.swp-berlin.org/publications/products/comments/2016C47_kim_lnk.pdf
- Koenig, Nicole (2018). Leading Beyond Civilian Power: Germany’s Role Re-conception in European Crisis Management, German politics 29, no.1, pp.79-96: <https://doi.org/10.1080/09644008.2018.1496240>

- Martyr, Kate (2020). The German Bundeswehr's missions in the Middle East, July 1, available at: <https://www.dw.com/en/the-german-bundeswehrr-missions-in-the-middle-east/a-51917262>,
- Malhotra, Shairee (2023). Germany's National Security Strategy: Where the devil is in the lack of detail, Observer Research Foundation (PRF), June 19, available at: <https://www.orfonline.org/expert-speak/germanys-national-security-strategy>
- Matlé, Aylin. Ratka, Edmund (2019). Germany and the US in the Middle East and North Africa: from joint interests to conflicting strategies?, conference report, Konrad Adenauer Stiftung (KAS): <https://www.mei.edu/sites/default/files/2019-06/KAS-MEI%20Conference%20report%202019.pdf>
- Hanns W, Maull (2015). Deutsche Außenpolitik nach der »Review 2014«: Zivilmacht 2.0?, Zeitschrift für Politik 62 no. 3, pp.323-341: <https://www.nomos-elibrary.de/10.5771/0044-3360-2015-3-241/titelei-inhaltsverzeichnis-volume-62-2015-issue-3?page=1>
- Molling, Christian. Schwarzer, Daniela (2017). Foreign Policy and Next German Government, in Foreign Policy and the Next German Government Strengths, Weaknesses, Opportunities, and Threats, Edited by Christian Mölling and Daniela Schwarzer, Nr 7, German Council on Foreign Relations (DGAP): https://dgap.org/system/files/article_pdfs/2017-07b-btw-en_4.pdf
- Puglierin, Jana (2016). Germany's Enable & Enhance Initiative What is it about?, Federal Academy for Security Policy, Security Policy Working Paper, No. 1, 1-4: https://www.baks.bund.de/sites/baks010/files/working_paper_2016_01.pdf
- Perthes, Volker (2004). "Germany and the golf: On the way to a Policy?". Paper presented to the workshop "International Interests in the Gulf: Policy Implications for the GCC Members", Abu Dhabi, Emirates Center for Strategic Studies, March 15/16 :https://www.swp-berlin.org/publications/products/arbeitspapiere/EmiratesSymp0402_ks.pdf
- Reuters (2020). Israeli, UAE foreign ministers to meet in Germany on Tuesday, October 5, available at: <https://www.reuters.com/article/israel-gulf-germany-idINKBN26Q2K2/>
- Schwanitz, Wolfgang (2004). Germany and the Middle East, 1871-1945, Markus Wiener Publishers, ISBN-13: 978-1558762992
- Trunov, Philipp Olegovich (2019). Bilateral Relations between Germany and Saudi Arabia: Military-Political Dimension, Institute of Scientific Information for Social Sciences of the Russian Academy of Sciences (INION RAS) Vol. 19, Iss: 4, pp 663-674